

ارزیابی روایات فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

سید علی اکبر ربیع نتاج^۱

امین یوسفی^۲

چکیده

ائمه ی معصومین علیهم السلام بهترین الگوهایی هستند که انسان ها می توانند از ارتباط با آنان، در مسیر رشد و تکامل خود بهره برداری کنند، این ارتباط در قالب زیارت نامه ها مطرح شده است. زیارت قبور ائمه ی معصومین علیهم السلام می تواند به شناخت بیشتر آن بزرگواران و الگو برداری از خصلت های الهی آنان بینجامد و یا از طریق اشراق معنوی، بر روح جان آدمی تأثیر گذار باشد. در مذهب تشیع که امامت هم سنگ توحید و نبوت قرار گرفته، باید به زیارت معصومان توجه ویژه داشت. روایاتی در باب فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام بیان شده که در ثواب با هم تفاوت دارند، اما در یک نقطه اشتراک دارند و آن این است که آن را برتر از حج یا عمره دانسته اند و برخی ثواب چندین حج را برای زائر آن امام همام (ع) بر شمرده اند، در این مقاله روایات فضیلت زیارت امام رضا (ع) گرد آوری واز لحاظ سندی و متنی مورد بررسی قرار گرفته و به چرایی این برتری ها پاسخ داده است.

کلید واژه ها: زیارت، روایات، ثواب، فضیلت، عارفا به حقه.

sm.rabinataj@gmail.com

amin19086@yahoo.com

^۱. دانشیار دانشگاه مازندران

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۶/۲۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۸/۲۴

طرح مسأله

از آن جا که دین مجموعه ای کامل و به هم پیوسته است طریق تماس و ارتباط وثیق را از ناحیه ی زیارت (با امامان معصوم علیهم السلام) معرفی می کند. زیارت با شرایط و آداب خاص، به ویژه معارف زیارت نامه ای آن، بهترین، سودمندترین و درعین حال شاداب ترین ارتباط است و به گونه ای حسّ حضور در محضر امام علیه السلام را در انسان ایجاد می کند و این ارتباط جز در سایه زیارتی با معرفت حاصل نمی شود (جوادی آملی، ۵۲).

در برخی از روایات، فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام، با فضیلت های حج و عمره گزاران، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. برخی از این احادیث، فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام را بیشتر از حج گزاردن، بلکه فضیلت آن را برابر یک هزار حج، و برخی آن را برابر هفتاد هزار حج مطرح کرده اند، ملاک این همه تفاوت در ارزیابی زیارت امام رضا علیه السلام و حج عمره چیست؟ و چرا این روایات با هم تفاوت دارند و چگونه می توان قبول کرد که فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام بیشتر از زیارت خانه ی خدا است و آیا این گونه روایات، به مفهوم کم ارزش جلوه دادن زیارت خانه ی خدا، و موجب کاستن انگیزه ی زائران آن و کاهش شکوه و عظمت حج نمی شود؟

در برخی از روایات آمده است که زائر باید به حقّ امام عارف باشد و خداوند عزوجل به او پاداشی می دهد، همانند پاداش آن کس که در راه خدا انفاق کرده و در راه خدا با دشمن جنگیده است. منظور از عارف به حق بودن امام چیست؟ علل متفاوت بودن ثواب زیارت به چه چیزی بر می گردد؟ در این مقاله تلاش بر این است که روایات فضیلت زیارت امام رضا(ع) گردآوری و احادیث آن از لحاظ سندی و متنی مورد بررسی قرار گیرد.

بیان روایات فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

۱- عن علی بن الحسن بن علی بن فضال عن أبي الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام أنه قال: إنّ بخراسان لبقعة يأتي عليها زمان تصير مختلف الملائكة و لا يزال فوج ينزل من السماء و فوج يصعد، الى أن ينفخ؛ فقليل له يأبى رسول الله، و أى بقعة هذه؟ قال: هى بأرض طوس و هى و الله روضة من رياض الجنة، من زارنى فى تلك البقعة كان كمن زار رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم و كتب الله تعالى له ثواب ألف حجة مبرورة و الف عمرة مقبولة و كنت أنا و أبائى شفاه يوم القيامة.(ابن بابويه، رمالی ۶۳؛ طوسی، ۶، ۱۰۸).

علی بن حسن بن علی بن فضال روایت کرد که ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: به درستی که در سرزمین خراسان بقعه ای است که زمانی محلّ رفت و آمد فرشتگان می گردد، و مرتّب فوجی از فرشتگان فرود می آیند و فوجی به سوی آسمان پرواز می کنند تا روزی که در صور دمیده شود از آن حضرت پرسیدند که یابن رسول الله این بقعه کدام است، فرمود آن بقعه در سرزمین طوس است و به خدا سوگند آن گلزاری از گلزارهای بهشت است، هرکس مرا در آن مکان زیارت کند، اجرش همانند کسی است

که رسول خدا صلی الله علیه وآله و سلم را زیارت کرده است و خداوند متعال برای او ثواب هزار حج مبرور و صحیح و هزار عمره مقبول بنویسد، و من و پدرانم شفیعان او در روز قیامت باشیم.

۲- عن أبي الصلت عبد السلام بن صالح الهروي، قال: سمعت الرضا عليه السلام يقول: و الله ما منا آلا مقتول شهيد، فقيل له: و من يقتلك يابن رسول الله قال: شر خلق الله في زمانى، يقتلنى بالسم، ثم يدفننى فى دار مضيقه و بلاد غريبة، ألا فمن زارنى فى غربتى، كتب الله تعالى له أجر مائة ألف شهيد، و مائة الف صديق و مائة ألف حاج و معتمر و مائة الف مجاهد و حشر فى زميرنا و جعل فى الدرجات العلى فى الجنة رفيقاً. (ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ۲/ ۵۸۵؛ شعيرى، ۳۲).

ابا صلت هروى روایت کرد که از حضرت امام رضا عليه السلام شنیدم که مى فرمود: به خدا قسم هیچ یک از ما ائمه نیست مگر آن که به قتل مى رسد و شهید مى گردد از او سؤال شد: چه کسی شما را به قتل مى رساند ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: بدترین خلق خدا در زمان من مرا با زهر مى کشد، سپس مرا در خانه ای تنگ در شهری غریب دفن مى کند، خبر مى دهم که هرکس مرا در غریبیم زیارت کند، خداوند متعال اجر یک صد هزار شهید، و یک صد هزار صديق، و یک صد حج معتمر (کسی که به حج عمره رفته) و یک صد هزار مجاهد و مبارز در راه حق در نامه عمل او بنویسد و او را در زمره ی ما محشور گرداند، و در بهشت او را یار ما در درجات بلند قرار دهد.

۳- عن سليمان بن حفص المروزي؛ قال: سمعت أبا الحسن موسى بن جعفر عليه السلام يقول: من زار قبر ولدى على كان له عند الله تعالى سبعون حجة مبرورة؛ قلت: سبعون حجة قال: نعم و سبعون الف حجة. (ابن بابويه، عيون اخبار الرضا، ۲ / ۲۵۹).

سليمان بن حفص روایت مى کند که گفت: از موسى بن جعفر عليه السلام شنیدم که مى فرمود: هر کس قبر فرزندم على را زیارت کند برای او در نزد خداوند ثواب هفتاد حج خالص باشد، عرض کردم هفتاد حج، فرمود: بلکه هفتاد هزار حج.

۴- عن احمد بن محمد بن أبى نصر البزنطى قال: قرأت كتاب أبى الحسن الرضا عليه السلام: أبلغ شيعتنا أن زيارتى تعدل عند الله ألف حجة قال: فقلت لأبى جعفر ابنه عليه السلام: ألف حجة: قال: إى و الله ألف ألف حجة لمن زاره عارفاً بحقه. (همانجا، ۲ / ۲۵۷؛ بحرانی اصفهانی، ۲۳، ص ۴۴۴).

احمد بن محمد بن بزنى روایت مى کند که در نامه ی حضرت رضا عليه السلام خواندم که نوشته بود: به شيعيان من اين پيغام را برسان که زیارت من معادل یک هزار حج است، گوید به فرزندش امام جواد عليه السلام عرض کردم: آیا هزار حج، فرمود: به خدا قسم هزار هزار حج، برای کسی که عارف به حقش باشد.

۵- عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنى، عن أبى جعفر محمد بن على بن موسى الرضا عليه السلام قال: ضمنت لمن زار أبى عليه السلام بطوس، عارفاً بحقه الجنة على الله تعالى. (ابن بابويه، من لا يحضره الفقيه، ۲ / ۵۸۳؛ فيض كاشانى، ۱۴ / ۱۵۴۹؛ حر عاملی، ۱۴ / ۵۵۳).

عبدالعظيم حسنى روایت کرده است که امام جواد عليه السلام فرمود: من برای آن کس که قبر پدرم عليه السلام را در طوس زیارت کند در صورتی که عارف به حق او باشد از جانب خداوند متعال ضامن بهشت مى باشم.

۶- عن احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، قال: سمعت الرضا عليه السلام، يقول: ما زارني أحد من اوليائي عارفاً بحقيّ ألا تشققت له يوم القيامة. (ابن بابويه، عيون اخبار الرضا، ۲/۲۵۸).

احمد بن محمد بن بزنطی گفت: شنیدم حضرت رضا علیه السلام فرمود: از شیعیانم در حالی که عارف به حق من باشد مرا زیارت کند او را در روز قیامت شفاعت خواهم کرد.

بررسی سندی روایات

این احادیث از لحاظ سندی مورد بررسی قرار گرفته و راویان آن در کتب رجالی شناسایی شدند که مورد اعتماد می باشند. این راویان عبارتند از:

۱- علی بن حسن بن علی بن فضال

فقیه اهل کوفه، وجه، ثقه، عارف به حدیث، کثیرالحدیث است. و از ضعفاء روایت نمی کرد و فطحی مذهب بود. (نجاشی، ۲۵۷ - ۲۵۸؛ موسوی خویی، ۵۴/۶).

۲- عبدالسلام بن صالح أبو صلت الهروی

ثقه و صحیح الحدیث است و از امام رضا علیه السلام روایت کرده، و راوی شهادت امام رضا علیه السلام است. (نجاشی، ۲۴۵؛ تستری، ۱۵۹/۶).

۳- سلیمان بن حفص المروزی

سلیمان بن حفص مروزی همان سلیمان بن جعفر مروزی است. (موسوی خویی، ۲۵۰/۹). ثقه است. (عرفانیان، ۵۳). و از امام رضا علیه السلام روایت کرده است. (شبییری زنجانی، ۱۷۸/۲).

۴- احمد بن محمد بن عمرو (البزنطی)

فرزند ابی نصر زید است، و ابو جعفر معروف به بزنطی که اهل کوفه است و با امام رضا و امام کاظم علیهما السلام ملاقات کرده است و نزد ایشان عظیم المنزله بود و دارای کتاب هایی است، مانند: الجامع. (نجاشی، ۷۵؛ موسوی خویی، ۳۱/۳) و بزنطی از اصحاب اجماع می باشد.

۵- عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن (عبدالعظیم الحسنی)

صدوق از علی بن محمد از حمزه بن قاسم علوی از محمد بن یحیی عطار روایت کرد که: شخصی بر امام هادی علیه السلام وارد شد که اهل ری بود و گفت بر امام وارد شدم و فرمود کجا بودی؟ گفتم امام حسین علیه السلام را زیارت نمودم، امام فرمود اگر قبر عبد العظیم که نزد شماست را زیارت نمایی مانند این است که امام حسین علیه السلام را زیارت نموده ای. (موسوی خویی، ۵۲/۱۱). ایشان از اصحاب امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام می باشند. (همانجا، ۴۹).

هم چنان که مشاهده می شود در روایات فوق که نمونه هایی از روایات در فضیلت زیارت امام رضا (ع) است برای زایر ثواب گوناگونی بیان شده است. علت این اختلاف ها چیست؟ اختلاف ثواب زیارت به چه چیزی بر می گردد؟

علت اختلاف روایات در فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام و سنجش آن با حج و عمره را می توان در

امور ذیل تحلیل کرد:

۱- اختلاف کیفیت زیارت ها

اختلاف روایات، ناظر به اختلاف کیفیت زیارت هاست، بدین معنا که هر چه معرفت زائر بیشتر باشد (چنانچه در بسیاری از روایات کلمه "عارفا بحقه" قید شده است مثل روایت شماره ۵ و ۴ که قبلاً نقل گردید) و آداب زیارت را بهتر رعایت کند و هدف آن را بیشتر تأمین نماید، مسلماً زیارت او از کیفیت بهتری برخوردار خواهد بود و ارزش بیشتری دارد. بر این اساس، ممکن است زیارت زائری، برابر با یک حج و زیارت زائری دیگر، معادل هفتاد حج و زیارت زائری دیگر یک هزار حج ارزش گذاری شود.

۲- مفهوم عددی نداشتن اعداد

شکی نیست که محدود ساختن موضوع به یک عدد خاص، دلالت بر انتفاء حکم در غیر آن تعداد نمی کند، و لذا اگر گفته شود: سه روز از ماه را روزه بگیر، دلالت بر این نمی کند که روزه ی غیر سه روز، استحباب ندارد و لذا با دلیلی که دالّ بر استحباب روزه ایّام دیگر ماه باشد، تعارض ندارد. آری، اگر حکم، مثلاً وجوب باشد و مشخص کردن عدد برای بیان حدّ اعلای واجب باشد، بلا شبهه دلالت می کند که بیش از آن عدد، واجب نیست، مثل دلالت دلیلی که روزه سی روز ماه رمضان را واجب می کند اما این دلالت از جهت خصوصیت مورد است نه از جهت اصل تحدید عددی، تا این که بگوییم خود مفهوم عدد، دارای مفهوم است. (چون گفته اند روزه ی واجب حد اکثر سی روز است، مفهوم دارد نه این که نفس عدد، مفهوم داشته باشد) پس حق این است که تحدید عددی، مفهوم ندارد. (مظفر، ۱/۲۲۹).

بنابراین، با تأمل در احادیث یاد شده، مشخص می شود که عدد در آن ها، مفهوم عددی ندارد، یعنی؛ مقصود از هر یک از این اعداد، نفی عددهایی نیست که با این عدد، اختلاف دارند، بلکه مقصود از آن کثرت است، به همین جهت وقتی راوی از برتری زیارت امام رضا علیه السلام بر حج شگفت زده می شود امام علیه السلام بر تعداد آن می افزاید.

تبیین روایات برتر بودن زیارت امام رضا علیه السلام از حج

پیش از توضیح این روایات توجه به دو نکته لازم است:

نکته اول _ این گونه ارزش گذاری در روایات اهل بیت علیهم السلام به زیارت امام رضا علیه السلام اختصاص ندارد بلکه موارد مختلفی یافت می شود که عملی یک هزار برابر حج، بلکه بیشتر از آن ارزیابی شده است، مانند: رد کردن یک دانگ (یک ششم) درهم حرام، نزد خدا برابر با هفتاد هزار حج پذیرفته است.^۱ (راوندی، ۲۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۰۱/۲۹۶). و یا برآوردن حاجات مومن، برتر از هزار حج پذیرفته شده و آزاد کردن هزار بنده در راه خداست.^۲ (ابن بابویه، مالی، ۳۰۸).

^۱ . قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «لردّ دائق من حرام يعدل عند الله سبحانه سبعین ألف حجّة مبرورة» .
^۲ . قال امام الصادق علیه السلام: «قضاء حاجة المؤمن أفضل من ألف حجّة متقبّلة بمناسکها و عتق ألف رقبة لوجه الله» .

همچنین مواردی یافت می شود که پاداش عملی معادل پاداش یک هزار شهید ارزیابی شده است. مانند: هر مومنی که به گرفتاری ای دچار شود و بر آن شکیبایی کند، برای او پاداش هزار شهید خواهد بود.^۱ (کلینی، ۲۳۷/۳). و نیز مانند این حدیث که: هر کس برای آشتی دادن میان زن و شوهر گام بر دارد، خداوند به او پاداش هزار شهید را می دهد که در راه خدا با حقیقت کشته شده باشد.^۲ (ابن بابویه، ثواب الاعمال، ۳۴۱).

نکته دوم- حکمت فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام در زیارت سایر امامان علیهم السلام نیز وجود دارد ولی با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و آثار مترتب بر آن ها ممکن است فضیلت زیارت آن ها، متفاوت باشد، روایتی در این راستا آمده است:

عن عبدالعظیم بن عبدالله، قال: قلت لابی جعفر بن محمد ابن علی بن موسی الرضا علیه السلام قد تحیرت بین زیارة قبر ابی عبدالله علیه السلام و بین زیارة قبر ابیک علیه السلام بطوس فما تری فقال لی: مکانک، ثمّ دخل و خرج و دموعه تسيل علی خدیّه فقال: زوّار قبر ابی عبدالله علیه السلام کثیرون، و زوّار قبر ابی علیه السلام بطوس قلیلون. (مجلسی، ۳۹۵/۵؛ حرعاملی، ۵/۵۱۰).

از حضرت عبدالعظیم بن عبدالله حسنی روایت شده است که گفت: به ابو جعفر امام جواد علیه السلام عرض کردم: متحیر مانده ام که قبر سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین علیه السلام را زیارت کنم، یا به طوس رفته و قبر پدرت علیه السلام را زیارت کنم، نظر شما چیست؟ به من فرمود: اندکی صبر کن و همین جا بایست تا باز گردم، بعد به داخل خانه رفت و با چشمی گریان که اشک بر رخسار مبارکش می ریخت بیرون آمد، و گفت: زوّار قبر ابا عبدالله علیه السلام بسیارند ولی زوّار قبر پدر من در طوس اندکند.

در تاریخ گروه ها و فرقه های مختلفی از شیعه منشعب شده است. شیعیان چهار امامی (زیدیه)، شش امامی (اسماعیلیه)، هفت امامی (واقفیه)، نمونه ای از این گروه ها هستند که اعتقاد آنان به امامت ناقص است و همه ی امامان را قبول ندارند اما همگی ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را قبول دارند. عمده ی آنان به امامت حضرت سیدالشهداء نیز اعتقاد دارند و ایشان را زیارت می کنند. این گروه ها و بسیاری از طوایف دیگر اعم از مسلمان و غیر مسلمان به زیارت سید الشهداء نائل می شوند. پس زیارت امام حسین علیه السلام عمومیّت دارد. اما کسانی که امامت و ولایت حضرت رضا علیه السلام را قبول کرده اند تا امام دوازدهم دچار انشعاب نشده اند. بنابراین کسانی که ولایت ایشان را قبول دارند شیعه اثنی عشری هستند و به همین جهت خواص الناس به حساب می آیند و تنها طایفه ی خاصی ایشان را زیارت می کنند. این خواص، خواص معرفتی هستند، نه خواص جمعیتی. منظور از خواص معرفتی این است که این گروه، معرفت حقیقی نسبت به اهل بیت علیهم السلام دارند.

^۱ . قال امام الصادق علیه السلام: «من ابتلی من المؤمنین ببلاء فصر عليه كام له مثل أجر ألف شهيد».

^۲ . قال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: «من مشی فی إصلاح بین امرأة و زوجها أعطاه الله تعالی أجر ألف شهيد قتلوا فی سبیل الله حقاً».

با توجه به مطالب یاد شده، برای تبیین روایاتی که فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام را به مراتب بیش از حج مطرح کرده اند مورد بررسی قرار می گیرد:

۱- موضوع سنجش

بدون تردید، موضوع سنجش در این احادیث میان حج واجب (حجّة الإسلام) و زیارت مستحب نیست، بلکه مقایسه میان حج مستحب و زیارت است. بدین جهت در برخی احادیث تصریح شده که زیارت امام رضا علیه السلام را برتر از حج مطرح کرده اند، نمی تواند جایگزین حجة الإسلام شود بلکه برای کسی که توان گزاردن حج را ندارد تا هنگامی که توان گزاردن حج را پیدا کند. بنابراین مقصود از روایاتی که زیارت امام رضا علیه السلام پاداش حج دارد را با فضیلت تر از حج دانسته اند، این است که پس از انجام دادن حج واجب زیارت ایشان از فضیلت بیشتر برخوردار است.

۲- حج تحکیم بخش پیوند های اجتماعی

در فهم احادیث یاد شده، مقصود از این احادیث، کاستن از اهمیت حج به مفهوم حقیقی آن نیست، زیرا اگر حج اهمیت نداشته باشد، معیار قرار گرفتن آن برای ارزیابی ارزش های دیگر بی معناست همان طور مقصود از احادیثی نیز که پاداش اصلاح میان زن و شوهر یا شکیبایی در برابر مصائب را یک هزار برابر پاداش شهید ارزیابی کرده اند، این نیست که مردم را از جهاد در راه خدا منصرف گرداند، تا به جای جهاد به اصلاح امور خانوادگی مردم بپردازد و یا شکیبایی در مصائب را پیشه سازند؛ بلکه هدف، بیان اهمیت پیشگیری از متلاشی شدن خانواده ها، و همچنین تشویق به مقاومت در برابر سختی هاست به بیان دیگر از آن جا که ارزش و اهمیت حج و شهادت در راه خدا برای همه ی مسلمانان، روشن و بدیهی است پیشوایان اسلام برای توجه دادن مسلمانان به ارزش شماری از کارهایی که نقش اساسی در سازندگی جامعه دارند حج و شهادت را معیار ارزیابی آن ها قرار داده اند و به کسانی که در کنار انجام دادن وظایف و جویی خود به انجام دادن این گونه امور اجتماعی بپردازند، بشارت داده اند که خداوند از فضل خود پاداشی که قابل مقایسه با پاداش انجام دادن وظایف و جویی نیست، به آنان عنایت می فرماید.

بنابراین علت مضاعف بودن پاداش در اموری که به آن ها اشاره شد این است که از یک سو ملاک وجوب در آن ها وجود ندارد و از سوی دیگر، انجام دادن آن ها برای سازندگی جامعه مطلوب اسلامی، ضروری است و از این رو شارع با مضاعف نمودن پاداش، مردم را به انجام دادن آن ها ترغیب و تشویق می نماید.

۳- کعبه منشأ حرمت و پیوند با ولایت

حرمت سرزمینی که خداوند هر چیزی را در آن محترم شمرده بر اثر حرمت کعبه است؛ اما گرچه کعبه یگانه قبله و مطاف جهانیان است و زندگی و مرگ همه ی مسلمانان به سمت آن است و آهنگ به سوی آن همان هجرت به سوی خداست و نیز گرچه برای مکه ویژگی های فقهی و سیاسی ثابتی است که دیگر مکان ها و شهر ها فاقد آن است و همچنین گرچه برای حج و موافق آن ابعاد خاص سیاسی - عبادی مطرح است که دیگر عبادت ها این خصوصیت را ندارد؛ اما همه ی این مزایا و ویژگی ها مرهون ولایت و امامت است. (جوادی آملی، ۵۶-۵۷).

امام، همان انسان کامل - معصوم علیه السّلام - است که بدون او حرمتی برای حرم و مواقف آن نیست، از این رو زائری که امام معصوم علیه السّلام را نمی شناسد و رهبری توده مردم را از حج و زیارت و دیگر عبادات جدا می داند و آن را امری عادی و در اختیار هر فرد قرار می دهد و کرامتی برای هدایت خلق خدا و تدبیر امور آنان قائل نیست، در حقیقت انسان را نشناخته و خود نیز به حریم انسانیت قدم نگذاشته است. (همانجا، ۵۹ - ۶۰). منظور این که اگر بینش و معرفتی عمیق برای انسان حاصل شود و بر مبنای شناخت قرآنی و آن چه از سنت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و عترت طاهرینش علیهم السّلام رسیده اعتقادات خود را تصحیح و اصلاح کند، هرگز دچار وسوسه ی شیطانی و تخیل وهابی نمی شود تا زیارت و مراجعه به آن ها پس از مرگ را باطل و زمینه ی شرک تلقی کرده و با این توهم خود را بمیراند و فیض عظیم و آثار فوق العاده ی زیارت را از دست بدهد. (همانجا، ۳۹).

در همین راستا است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ فَقَدْ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً». (کلینی، ۵۸/۳؛ شوشتری، ۲۶۳) یعنی هر کس امام زمان خود را نشناسد مرگ او، مرگ جاهلیت است. قهراً حج و زیارت این گونه افراد نیز حج جاهلی بوده و از حج توحیدی سهمی نخواهد داشت.

دو روایت دیگر نیز در این رابطه آمده است که پیوند حج حقیقی و ولایت را مشخص می کند:

۱- زراره از امام باقر علیه السّلام روایت می کند که ایشان فرمودند: «إِنَّمَا أَمْرَ النَّاسِ أَنْ يَأْتُوا هَذِهِ الْأَحْجَارَ فَيَطُوفُوا بِهَا ثُمَّ يَأْتُوا فَيَخْبُرُونَ بَوْلَايَتِهِمْ وَ يَعْرَضُوا عَلَيْنَا نُصْرَهُمْ». (کلینی، ۲۴۶/۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ۹۶، ص ۳۷۴) یعنی مردم مأمور شده اند که به سراغ این سنگ ها بیایند و طوافشان کنند، سپس نزد ما بیایند و دوستی خود را به ما خبر دهند و یاریشان را بر ما عرضه دارند.

۲- اسماعیل بن مهران از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که ایشان فرمودند: «إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَخْتِمِ حَجَّتَهُ بِزِيَارَتِنَا لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ». (ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۶۲؛ مجلسی، ۱۳۹/۹۷) یعنی هر یک از شما که حج گذارد، آن را با زیارت ما پایان دهد، چون این کار، لازمه ی کامل شدن حج است.

چنین روایاتی مشخص می کند که ولایت اهل بیت علیهم السّلام روح و حقیقت حج است و حج بدون پیوند با رهبری امام عادل و بیزاری از حاکمان مشرک، حج حقیقی نیست.

۴- حکمت زیارت قبور امامان علیهم السّلام

امام رضا علیه السّلام در حدیث شریفی فرمود: «إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ إِنْ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَ حُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَ تَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أَيْمَتَهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (کلینی، ۲۹۱/۹؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/۵۷۷) یعنی برای هر امامی در هر زمانی، نسبت به مأمومین و شیعیانش، عهد و پیمانی است و اگر کسی بخواهد به عهدش خوب و تمام وفا کند باید به زیارت قبورشان مشرف شود. پس اگر کسی با اشتیاق به زیارت رفت و در این رغبت صادق بود، امامان معصوم علیه السّلام در روز قیامت شفیع آنان خواهند بود.

بنابراین رشته ی امامت و ولایت قطع شدنی نیست در حضور یا غیبت، حیات یا ممات امامان این پشتمانه ی نیرومند معنوی از جهات مختلفی در تربیت امت و ساختار اجتماعی و فرهنگی و سیاسی آنان نقش غیر قابل انکار دارد.

با توجه به این حدیث، خداوند اموری را به عنوان اسباب و وسایل در جهت تقرب و نزدیکی به درگاه خویش قرار داده و ما را به توسل به آن امور فرمان داده است: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (المائدة، ۳۵) یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید! از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید. همان طور که نماز، روزه، صدقات، اسباب و وسیله ی تقرب به خدا هستند، پیامبران و اولیای الهی نیز وسیله ی تقرب به خداوند هستند و در نتیجه متوسل شدن به ایشان باعث شفاعت انسان در قیامت می شود.

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، زیارت نوعی وفای به عهد است. در منطق قرآن در خصوص وفای به عهد چنین آمده است: «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (الاسراء، ۳۴) یعنی به عهد (خود) وفا کنید، که از عهد سؤال می شود. یا در آیه ی دیگری آمده: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» (المؤمنون، ۸) یعنی و آن ها که امانت ها و عهد خود را رعایت می کنند. زیارت از منظر وفای به عهد، نوعی ضرورت و الزام است. خصوصاً که رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «مَنْ حَجَّ بَيْتَ رَبِّي وَ لَمْ يَزُرْنِي فَقَدْ جَفَانِي» (مجلسی، بحار الانوار، ۳۷۳/۹۶؛ نوری، ۱۸۶/۱۰) یعنی هر کس به حج مشرف شود اما من را زیارت نکند - در مدینه به زیارت من نیاید - در حق من جفا کرده است.

در مورد زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، محقق حلی گفته است: بر حج گزار مستحب مؤکد است که به زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بشتابد.^۱ (حلی، ۲۰۹/۱). حتی وی می گوید: اگر مردم زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ترک کردند حاکم اسلامی آن ها را اجبار بر زیارت می کند، زیرا ترک زیارت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم موجب جفای به اوست.^۲ (همانجا، ۲۰۷).

شهید ثانی نیز گفته است: اگر زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را همگان ترک کنند، بزرگ ترین سنت الهی تحقیر و سست می شود از این جهت به مقداری که این تحقیر و تهاون رفع گردد، بر آن اجبار می شود.^۳ (شهید ثانی، ۳۷۳/۲).

بدین ترتیب، اثبات فضیلت و استحباب زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برای اثبات فضیلت و ثواب زیارت سایر امامان علیهم السلام کفایت می کند حتی اگر دلیل خاصی درباره ی زیارت آن بزرگواران وجود نداشته باشد.

۵- رعایت دو نکته در مورد زیارت

۵-۱- زیارت باید خالصانه باشد.

۱. يستحبُّ زيارةُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ لِلْحَاجِّ اسْتِحْبَاباً مُؤَكِّدًا.

۲. إذا ترك النَّاسُ زيارةَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أُجِبُوا عَلَيْهَا لَمَّا يَتَضَمَّنُ مِنَ الْجَفَاءِ الْمَحْرَمِ.

۳. إستلزم ترك الجميع زیارته صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ التَّهَوُّنَ بِأَعْظَمِ السَّنَنِ وَأَجَلَهَا فَيَجْبِرُونَ عَلَيْهَا إِلَى أَنْ يَقِيمُوا بِمَا يَدْفَعُ ذَلِكَ.

زیارت در حدّ خود هدف و مقصدی مستقل است که باید هیچ چیز را در کنار آن ندید. زائر باید زیارت را به تنهایی هدف مستقل و مقدّس بداند؛ به گونه ای که همراه کردن آن با امور دیگر از ارزش و بهای آن کاسته و آن را بی محتوا و بی معنا می سازد. زیارت را با سیاحت و تفریح آمیختن و انگیزه ی غیر زیارتی را در نیت وارد کردن موجب تضعیف جایگاه زیارت و نقص در میزان تأثیر و ضعف قلمرو آن می شود؛ از این رو باید زیارت را استقلالی دید و هیچ امری را کنار آن قرار نداد. این معنا جلوه ای از اخلاص در زیارت و مایه ی تمام و کمال زیارت است. (جوادی آملی، ۱۷۵-۱۷۶).

در این رابطه حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم است که می فرمایند: «مَنْ أَتَانِي زَائِرًا فِي الْمَدِينَةِ مُحْتَسِبًا كُنْتُ لَهُ شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (ابن قولویه، ۱۴) یعنی کسی که تنها به انگیزه ی زیارت من، مرا در مدینه زیارت کند، خداوند او را وارد بهشت می کند.

۵-۲- زائر، مزوّر (ائمه ی معصومین) را حیّ و زنده بداند- نفوس قویّه ی قدسیه به خصوص نفوس پیامبران و امامان علیه السّلام چون از بدن های شریف خود رحلت نمودند و از آن ها مجرد گشتند، و به عالم تجرّد رفتند، و نهایت احاطه و استیلا بر این عالم حاصل کردند، امور این عالم در نزد ایشان ظاهر می گردد، و توانایی تصرف و تأثیر در امور این عالم برای ایشان حاصل می شود، پس هر کس به جهت زیارت ایشان نزد قبورشان حاضر شود، بر او آگاهی و اطلاع دارند، و سؤال، توسّل، تضرّع و در خواست شفاعت را می شنوند و به خاطر این که ائمه واسطه ی فیض الهی هستند، از طرف خداوند شفاعت آنان را می کنند. (نراقی، ۸۸۹).

اگر چه به حسب ظاهر سیزده تن از معصومین علیهم السّلام حیات مادی ندارند، اما به این معنا نیست که زنده نیستند. آنان حیات برزخی دارند که در مقایسه با زندگانی دنیا حیات کاملی است، و زنده بودن در عالم برزخ به حسب تجرّد روح است.

در قرآن کریم آیات متعدّدی در خصوص حیات برزخی آمده است: «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ». (آل عمران، ۱۶۹) یعنی و (ای پیامبر) هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده اند، و نزد پروردگارش روزی داده می شوند. زیارت، زمانی معنا پیدا می کند که ملاقات شونده در قید حیات باشد. پس لازم است که مزوّر را زنده بدانیم. و نیز به همین خاطر است، که در زیارت امام حسین آمده است: «أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَ تَرُدُّ الْجَوَابَ» یعنی گواهی می دهم که سخنم را می شنوی و جواب می دهی. (ابن مکی، ۱۶۳).

۶- ثمرات زیارت امام رضا علیه السّلام:

۱-۶- زدودن گناهان و رنج ها- رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم فرمودند: «سَتُدْفَنُ بَعْضُهُ مِنِّي بِخُرَاسَانَ مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ كَرْبَهُ وَ لَا مُدْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ». (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۵۸۳/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴/۱۵۴۹) یعنی بزودی پاره ای از تن من در شهر خراسان دفن می شود، دل شکسته ای نیست که او را زیارت کند مگر این که خداوند متعال دل شکستگی اش را برطرف کند و گناه کاری نیست که او را زیارت کند مگر اینکه خداوند متعال گناهانش را بیامرزد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم این حدیث را زمانی بیان فرمودند که نه تنها امام رضا علیه السّلام، بلکه پدران و مادران ایشان نیز

به دنیا نیامده بودند.

منظور، این که زیارت امام رضا علیه السلام از مکفّرات است، یعنی آن دسته از حسناتی است که گناهان را از بین می برد. در قرآن نیز آمده است که: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود، ۱۱۴) یعنی حسنات، سیئات (و آثار آن ها را) از بین می برند.

۶-۲- **تکریم خاص** - ایوب بن نوح می گوید، از امام جواد علیه السلام شنیدم که فرمودند: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي بَطُوسٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَ بَنَى اللَّهُ لَهُ مِنْبَرًا فِي حِذَاءِ مِنْبَرِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ حَتَّى يَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ الْخَلَائِقِ» (کلینی، ۳۳۷/۹؛ ابن بابویه، عیون اخبار الرضا، ۲/۲۹۵) یعنی کسی که قبر پدرم را در طوس زیارت کند خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می بخشد و در قیامت برای او منبری در مقابل منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام قرار می دهد تا این که خداوند از حساب بندگان فارغ شود.

این روایت تکریم زائر علی بن موسی الرضا علیه السلام است. در محشر همه ی خلائق در انتظار حسابرسی اعمال خود هستند اما زائر حضرت رضا علیه السلام در جوار رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر روی منبری نشسته است. این نوعی تکریم خاص است که غیر از پاداش ها و سایر ثواب های زیارت است. البته زیارت، آداب و شرایطی دارد که برخی از آن ها واجب الاطاعة و عارف به حق امام بودن است.

۶-۳- **زیارت، یک تکلیف است** - در بین احکام و تکالیف عبادی که خداوند برای بندگان مقرر ساخته، عباداتی وجود دارند که ویژه هستند، مانند نماز که بیشترین تقرب را برای انسان می آورد. در روایتی آمده است: «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلُّ تَقِيٍّ» (کلینی، ۱۰/۶؛ مجلسی، مرآة العقول، ۸/۳۲۸) یعنی نماز سبب قرب هر متقی و پرهیزگار است. یا در روایت دیگری در باب روزه خداوند فرموده است: «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي بِهِ» (طوسی، ۱۵۲/۴؛ جعفر بن محمد علیه السلام/۱۳۶) یعنی روزه برای من است و من جزای روزه هستم. ائمه ی معصومین علیهم السلام روایاتی در شأن و فضیلت عبادتی بیان کرده اند و آن را بر سایر عبادات برتری داده اند. اما ما حق نداریم فقط آن عبادت خاص را انتخاب کنیم و از سایر عبادات غافل شویم. ما نسبت به تمام فرایض و تکالیف، مکلف هستیم.

وظیفه ی ما این نیست که به خاطر ثواب به زیارت ائمه ی معصومان علیهم السلام برویم، زیارت اهل بیت علیهم السلام وفای به عهد و اظهار مودت به ایشان است. اظهار مودت به ذوی القربی در بیان قرآن واجب است. زیارت، ایفای عهد الهی است و حقی است که امام بر مأموم خود دارد.

دلیل این اعتقاد و ارادت نسبت به ائمه ی معصومین علیهم السلام در عبارتی از زیارت جامعه کبیره آمده است: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَتْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شَفْعَائِي» (ابن بابویه، من لايحضره الفقيه، ۲/۶۱۷؛ مجلسی، بحار الانوار، ۹۹/۱۳۳). یعنی خدایا همانا اگر از رسول گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت برگزیده ی او که همان امامان ابرار هستند، کسی را برتر و مقرب تر نزد تو می یافتم، آنان را انتخاب می کردم.

۷- بنیادی کردن فرهنگ زیارت امام رضا علیه السلام-

زیارت مایه ی زیادتی مودت و دوستی بوده و دوستی نسبت به مؤمنان هم مایه ی اجر و ثواب بیشتر است چنان که در زمان حیات امام این معنا وجود داشته، بلکه باید زیارت را از حقوق ایمانی دانست و از آن جا که حق لزوماً مورد مطالبه است انسان برای ادای این حق طبق حکم عقل باید قیام و اقدام کند. (جوادی آملی، ۱۷۳).

بهترین عامل برای نهادینه کردن و تقویت بافت های ایمانی و عهود الهی و نیز التزام فکری و روحی، عامل مؤثر زیارت است. همین مواثیق و پیمان هاست که گره وجودی و پیوند حقیقی بین انسان و حقایق الهی توحید، نبوت، امامت ایجاد می کند و انسان در پناه این میثاق ها از لغزش ها مصون و از خطرات در امان است. (همانجا، ۱۰۶).

ولایت ائمه علیهم السلام نشانه ی پاکی و پاکیزگی است و در زیارت امام علی علیه السلام آمده است: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ طَهَّرَ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ» یعنی درود خدا بر تو که هم خود پاک و طاهر و مطهر هستی و هم از نسلی پاک و طاهر و مطهر هستی. (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۵۹۰/۲؛ ابن عقده کوفی، ۱۴۳). و این خاندان (اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) که به اراده ی الهی از طهارت خاص برخوردار شده و همه ی رجس ها و پلیدی ها از محدوده ی وجودی و قلمرو هستی آنان زدوده شده است. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الاحزاب، ۳۳) یعنی خدا فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.

با توجه به این مقوله، زیارت که بستر و زمینه ای آماده برای حضور در محضر اهل بیت علیهم السلام و آشنایی و تثبیت ولایت است، پاکی و طهارت انسان را با خود دارد، کدورت ها و تیرگی های اعتقادی و اخلاقی را دور می کند و انسان را به سرچشمه ی زندگی متصل می گرداند.

بدون تردید، زیارت امام رضا علیه السلام، نماد و نشانه بالندگی مکتب اهل بیت علیهم السلام است، بنیادی کردن این فرهنگ، بویژه در فضای سیاسی بسته ی آن روز، مشکلات خاص خود را داشت و از باب «ثواب العمل علی قدر المشقة فيه» (لیثی واسطی، ۲۱۸؛ شریف رضی، ۵۸۹) یعنی پاداش عمل به اندازه ی دشواری آن است. و «أفضل الأعمال أحمرها» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۹۱/۶۷) یعنی برترین اعمال سخت ترین آن هاست. کسانی که در بنیادی کردن این فرهنگ نقش بیشتری ایفا کرده اند قطعاً از پاداش بیشتری برخوردارند.

علی بن موسی الرضا به زائرش چنین وعده داده است: «من زارنی أتیته یوم القیامه فی ثلاث مواطن: إذا تطایرت الکتب، و عند الصراط، و عند المیزان» (مجلسی، بحار الانوار، ۳۷۹/۱۱۰) یعنی هر کس مرا با این فاصله ی دوری که دارم زیارت کند، روز قیامت در سه موقف به فریادش می رسم: ۱- وقتی که نامه ی اعمال به دست چپ و راست داده می شود. ۲- به هنگام عبور از صراط. ۳- زمان سنجش اعمال.

کسانی که با معرفت و شناخت حقیقی نسبت به حق ائمه علیهم السلام توفیق زیارت قبور آن ها را پیدا می کنند، علاوه بر درک شفاعت ایشان در آخرت، در دنیا نیز مورد عنایت پروردگار قرار گرفته و مغفرت و آمرزش الهی شامل حال آنان می شود.

۸ - زیارت با معرفت

دلیل این که زیارت زائر با معرفت باشد این است که آنچه مایه ی کمال زیارت می گردد، معرفت و شناخت و موقعیت مزور است، نه اعمالی بی روح و همراه با غفلت، همانند بوسیدن صرف و نا آگاهانه ی ضریح یا در و دیوار و تماشای آثار هنری این کارها به سیاحت شباهت بیشتری دارد تا زیارت. ثواب های اخروی و آثار دنیوی که در روایات آمده بر زیارت واقعی مترتب است، یعنی جایی که ارتباط قلبی با مزور برقرار شود و منشأ تحوّل در زائر گردد، نه سیاحت و زیارت جسمی و صوری. (جوادی آملی، ۴۳/۱).

شاهد این ادعا روایاتی است که عارف به حق بودن امام را یاد آور شده که معرفت و بصیرت و پذیرفتن ولایت ائمه علیهم السّلام، شرط کمال زیارت ایشان است. در زیارت جامعه ی کبیره آمده است: «اللّهُمَّ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ» (ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ۶۱۷/۲) یعنی خدایا از تو می خواهم که مرا در شمار عارفان به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و آشنایان به حق آنان قرار دهی.

جامعیت عینی و علمی اهل بیت نبوت و امامت علیهم السّلام به این معنا است که اولاً هر کمال ممکن را واجدند، ثانیاً هر چه را دارا هستند، مصون از عیب و نقص است، ثالثاً هر چه را در مرحله حدوث واجد بودند در مرحله بقا نیز دارا خواهند بود. (جوادی آملی، ۴۶/۱).

از این رو چنین معرفت و آگاهی به مقام و موقعیت امام می تواند اطاعت و تسلیم در مقابل اوامر و نواهی مزور را که همان فرمان خداست فراهم کند.

عرفان به حق امام، یعنی علم به این که امام علیه السّلام حجت و برهان الهی برای مردم است و در پرتو این عرفان است که همه چیز روشن می شود. آگاهی به این نکته که امام بهترین طریق معرفت و ارتباط با خداست و تنها از این راه، رابطه ی عبودیت عبد و مولویت مولا تفسیر می شود، عامل عمده در تحقق معرفت امام است. (جوادی آملی، ۹۳).

انسان در مکتب زیارت باید ضمن حرمت نهادن به مقام والای امامت و ولایت، در همه ی عرصه های معنوی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امام علیه السّلام را پیشوا و مقتدا قرار داده و از حق پیروی کند و این اهتمام و پذیرش امامت را باور داشته باشد. بدون شک زیارتی که با این معرفت و شناخت صورت پذیرد، ماندگارتر و مؤثرتر خواهد بود. (همانجا)

پیام سیاسی همه ی این روایات، زمینه سازی برای حکومت اهل بیت علیهم السّلام است، این پیام را از زیارت همراه با معرفت قبور ائمه علیهم السّلام می توان دریافت کرد، هر چند در مقاطع خاصی از تاریخ زیارت برخی امامان علیهم السّلام ممکن است به دلیل پیامی سازنده تر از فضیلت بیشتری برخوردار باشد.

نتایج مقاله

فضیلت زیارت امام رضا علیه السّلام همانند بعضی از اعمال دیگر، برای آن ثوابی برتر از ثواب حج و عمره برشمرده و دلیل آن کم ارزش بودن حج نیست بلکه به جا آوردن اعمال مستحب در زمان مطلوب است. زیارت ائمه در صورتی از حج (حج عمره و حجّه الإسلام تا هنگامی که استطاعت حج را پیدا کند) برتر است که شخص، عارف به حق امام، و پذیرش ولایت او را وظیفه شرعی خود دانسته، و بجای خود محوری امام

محور زندگی او باشد ، زیرا اطاعت از امام، تجلیل و تکریم به مقام امامت و رهبری است، و زیارت امام معصوم عبادتی بزرگ است که در بطن خویش رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ با توحید و نبوت و معاد دارد و از بررسی مجموع روایات فهمیده می شود که زیارت از روی معرفت آن است، که زائر معتقد باشد امام رضا علیه السلام هشتمین معصوم، حجت و خلیفه ی خدا است و پس از او چهار معصوم دیگر، حجت و خلیفه ی خدا در روی زمین خواهند بود و تسلیم محض در برابر آنان تسلیم در برابر خدا می باشد پس تنها محبت و دوست داشتن ایشان کفایت نمی کند.

نکته ی دیگر این که زیارت امام، هوشیاری و بیداری در مقابل توطئه هایی است که متوجه ولایت است، ما امروز ماهیت ولایت را برگرفته از ولایت امام علی علیه السلام و امامتی که در آن رابطه ی مردم با امامشان رابطه ی مرید و مرادی است، می دانیم و امام رضا علیه السلام هم که از نسل ایشان است باید مرکز پیوند معنوی والایی بین امت و امام قرار بگیرد و زیارت امام علیه السلام باعث شود که به حکومت ولایی که همان حکومت امام علی علیه السلام است، آسیبی نرسد. علاوه بر این از این روایات توجه دادن مردم به حج و تحکیم پیوندهای اجتماعی و بنیادی کردن فرهنگ زیارت امام رضا علیه السلام و عارف به حق بودن امام برداشت می شود.

کتابشناسی

- قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر، چ ۲، قم، دار القرآن الکریم، ۱۳۷۳ش
۱. ابن بابویه(صدوق)، محمد بن علی، الامالی(للسدوق)، چ ۵، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ق.
 ۲. همومن لا یحضره الفقیه، محقق: غفاری، علی اکبر، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
 ۳. همو، عیون اخبار الرضا علیه السلام، محقق: لاجوردی، مهدی، چ اول، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ش.
 ۴. همو، بی تا، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محقق: غفاری، علی اکبر، تهران، المكتبة الصدوق، بی تا
 ۵. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل امیر المؤمنین علیه السلام، محقق: حرزالدین، عبد الرزاق محمد بن حسین، ایران: قم، دلیل ما ۴۲۴ق.
 ۶. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، محقق: امینی، عبدالحسین، نجف اشرف، دار المرتضویة، ۱۳۵۶ش.
 ۷. ابن مکی، محمد(شهید اول)، المزار، محقق: مدرسه ی امام مهدی علیه السلام، موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، قم، مدرسه ی امام مهدی علیه السلام، بی تا.
 ۸. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نور الله، بی تا، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال (الامام علی بن ابی طالب علیه السلام)، محقق: موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، قم، مؤسسه الامام مهدی (عج)، چ ۲.
 ۹. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۴، ۱۴۲۷ق.
 ۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، محقق: صفایی، محمد، چ ۷، قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.
 ۱۱. همو، جرعه ای از صهبای حج، محقق: واعظی محمدی، حسن، چ اول، قم، اسراء، ۱۳۸۸ش.
 ۱۲. همو، فلسفه زیارت، چ ۵، قم، اسراء، ۱۳۸۸ش.
 ۱۳. حلی، محقق، شرایع الإسلام، محقق: شیرازی، سید صادق ، چ ۲، تهران، استقلال، ۱۴۰۹ق.
 ۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، چ اول، قم، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
 ۱۵. همو، هداية الامة الى احكام الائمة عليهم السلام، چ اول، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث السلامی، ۱۴۱۴ق.

١٦. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، ج ٥، بی جا، بی نا، ١٤١٣ق.
١٧. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله، الدعوات، ج اول، قم، مؤسسه الامام مهدی (عج)، ١٤٠٧ق.
١٨. شبیری زنجانی، محمد جواد، توضیح الأسناد المشکلة فی الکتب الأربعة (أسناد الکافی)، قم، دار الحديث للطباعة و النشر، ١٤٢٩ق.
١٩. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه باتصحيحصحيحی صالح، قم، هجرت، ١٤١٤ق.
٢٠. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ج اول، نجف، مطبعة حیدریه، بی تا.
٢١. شوشتری، نور الله بن شریف الدین، الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة، محقق: جلال الدین حسینی، تهران، مطبعة النهضة، ١٣٦١ق.
٢٢. شهید ثانی، مسالک الأفهام، محقق: مؤسسه المعارف الإسلامی، ج اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلامی، ١٤١٣ق.
٢٣. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، محقق: خرسان، حسن الموسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ١٤٠٧ق.
٢٤. عرفانیان، غلام رضا، مشایخ الثقاة، ج اول، بی جا، مؤسسه النشر الإسلامی، ١٤١٧ق.
٢٥. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ج اول، اصفهان، کتابخانه امیر المومنین، ١٤٠٦ق.
٢٦. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- دار الحديث)، محقق: دار الحديث، قم، دار الحديث، ١٤٢٩ق.
٢٧. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار (ط- بیروت)، محقق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٣ق.
٢٨. همو، مرآة العقول فی شرح أخبار آل رسول محقق: رسولی محلاتی، هاشم، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ١٤٠٤ق.
٢٩. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط- القدیمة)، ج ٢، قم، مؤسسه فرهنگي اسلامي کوشانیپور، ١٤٠٦ق.
٣٠. مظفر، محمد رضا، اصول فقه، مترجم: غرویان، محسن، شیروانی، علی، ج ٤، قم، دارالفکر، ١٣٨٤ش.
٣١. لیثی واسطی، ابوالحسن، عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسینی بیرجندی، حسین، قم، دارالحديث، ١٣٧٦ش.
٣٢. نجاشی، احمد بن محمد، الرجال، محقق: سید موسوی الشبیری الزنجانی، ج ٩، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٦ق.
٣٣. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، ١٣٧٧ش.
٣٤. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محقق: مؤسسه آل بیت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل بیت علیهم السلام، ١٤٠٨ق.
٣٥. مصباح الشریعه (منسوب به امام صادق (ع))، بیروت، اعلمی، ١٤٠٠ق.